

هیچ مرزی مانع حملات اسرائیل نیست



حسین آرجو

کارشناس روابط بین‌الملل

حمله به قطر از چند جهت اهمیت زیادی دارد. نخست اینکه این حمله به کشوری صورت گرفت که در دسته کشورهای محافظه‌کار خاورمیانه قرار می‌گیرد؛ کشورهایی که برخلاف جبهه مقاومت، روابط و تعامل نزدیکی با غرب و ایالات متحده آمریکا دارند. اگر چه پیش‌تر، برخی اقدامات امنیتی و عملیات‌های محدود در این کشورها رخ داده بود، اما اقدام نظامی مستقیم علیه یک کشور حوزه خلیج فارس اتفاقی کم‌سابقه و بسیار مهم به شمار می‌رود.

این اقدام چند پیام آشکار داشت. پیام نخست برای کشورهای منطقه این است که در نظم جدیدی که نتانیا‌هو و رژیم صهیونیستی در پی تعریف آن هستند، هیچ‌کسوری از حملات احتمالی اسرائیل در امان نیست؛ چه کشورهای عضو محور مقاومت و چه کشورهای دیگر. به بیان دیگر، اسرائیل قصد دارد هر زمان که احساس تهدید امنیتی کند، در هر نقطه‌ای از منطقه اقدام نظامی انجام دهد. پیش‌تر این رژیم چنین الگویی را در غزه و کرانه باختری دنبال می‌کرد، سپس دامنه عملیات خود را به لبنان و سوریه گسترش داد و اکنون وارد سطح تازه‌ای شده است.

حمله به قطر می‌تواند آغاز روندی باشد که در آن اسرائیل کل منطقه را حوزه عملیات آزاد خود تلقی کند. پیام دوم حمله به قطر این بود که بازیگرانی که تاکنون تصور می‌کردند با اتخاذ سیاست‌های دوگانه می‌توانند از آسیب در امان بمانند، دیگر مصونیت ندارند. کشورهایی مثل قطر، ترکیه و حتی مصر تلاش می‌کردند از یکسو با گروه‌هایی مانند حماس ارتباط و حمایت‌هایی داشته باشند و از سوی دیگر با رژیم صهیونیستی نیز روابط محدودی برقرار کنند و نقش میانجی ایفا نمایند. این حمله نشان داد که چنین سیاستی از نظر اسرائیل قابل پذیرش نیست و این کشورها نیز می‌توانند هدف حملات مستقیم قرار گیرند.

نکته سوم این است که رژیم صهیونیستی با این حمله، قصد دارد برتری نظامی خود را بر خ منطقه بکشد و نظم امنیتی جدیدی را شکل دهد. استفاده از موشک‌هایی که حتی از دریای سرخ شلیک شده‌اند، پیامی آشکار به همه کشورهای منطقه است، به این معنی که اسرائیل قادر است در هر زمان و مکانی اقدام نظامی انجام دهد و هیچ مرزی مانع آن نخواهد بود.

نخستین تأثیر این اقدام نظامی بر کشورهای منطقه تغییر نگاه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به رژیم صهیونیستی است. پیش‌تر اسرائیل عمدتاً تهدیدی برای محور مقاومت به شمار می‌رفت و کشورهای محافظه‌کار منطقه تلاش می‌کردند با تکیه بر روابط خود با آمریکا، از تهدیدات آن در امان بمانند. اکنون اما این کشورها خود را نیز در معرض تهدید مستقیم اسرائیل می‌بینند. به همین دلیل است که در نشست‌های اخیر حتی مصر بحث تشکیل نیروی مشترک منطقه‌ای را مطرح کرده است. این موضوع نشان می‌دهد سطح نگرانی در میان دولت‌های عربی بالا رفته است.

از منظر روابط دو جانبه، به نظر می‌رسد همکاری‌های نظامی و امنیتی غیرعقلی برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی رو به کاهش گذاشته است. خبرهایی منتشر شده مبنی بر اینکه عربستان سعودی سطح همکاری‌های امنیتی خود با اسرائیل را کاهش داده و حتی امارات متحده عربی که بیش‌ترین روابط را با این رژیم داشت، اکنون با احتیاط بیشتری پیش می‌رود. برای نمونه، وزارت خارجه امارات نفر دوم سفارت اسرائیل در ابوظبی را احضار کرده که این موضوع در نوع خود کم‌سابقه است. مساله دوم این است که فشارهای ناشی از اقدامات اسرائیل می‌تواند نقش آمریکا در حمایت از این کشورها را تحت تأثیر قرار دهد. آمریکا که پیش‌تر تلاش می‌کرد در قالب «پیمان ابراهیم» کشورهای منطقه را به نزدیکی بیشتر با اسرائیل سوق دهد، اکنون با مشکل تازه‌ای روبه‌رو است، چراکه رژیم صهیونیستی خود به تهدیدی برای متحدان سنتی و واشنگتن در خلیج فارس تبدیل شده است.

در عین حال باید توجه داشت که ساختار سیاسی این کشورها مبتنی بر دولت – ملت به معنای کلاسیک نیست و حکومت‌ها بیشتر بر پایه روابط قبیله‌ای و حمایت خارجی اداره می‌شوند. بنابراین، احتمال دارد این دولت‌ها برای کاستن از تنش، به سمت ترمیم روابط با اسرائیل حرکت کنند. برای نمونه ممکن است قطر حمایت خود از گروه‌هایی مانند حماس را کاهش دهد یا امارات و بحرین در تعاملات خود با رژیم صهیونیستی محتاط‌تر شوند. در این حالت، اسرائیل به هدف خود یعنی تحمیل نظمی مبتنی بر زور و بازآرندگی نظامی نزدیک خواهد شد.

با این حال، این روند دو سویه است. اگر کشورهای منطقه بتوانند با اتکا به همکاری‌های مشترک (برای مثال با محوریت ایران، ترکیه و مصر) و با حمایت قدرت‌هایی مثل چین و روسیه، نوعی توازن ایجاد کنند، احتمالاً می‌توانند در برابر تحمیل نظم صهیونیستی مقاومت کنند. اما اگر اختلافات و فاصله‌های میان این کشورها همچنان باقی بماند، اسرائیل موفق خواهد شد نظم مورد نظر خود را بر منطقه تحمیل کند. در نهایت اینکه حمله به قطر یک نقطه عطف است. این حمله نشان داد اسرائیل نه تنها جبهه مقاومت، بلکه کشورهای محافظه‌کار و حتی نزدیک به غرب را نیز در دایره تهدیدات خود قرار داده است.

اکنون پرسش اصلی این است که آیا کشورهای منطقه به سمت همکاری و ایجاد سازوکارهای امنیتی مشترک حرکت می‌کنند یا اینکه در سایه ترس از اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی، به پذیرش تدریجی «نظم تحمیلی» تن خواهند داد.

مرتضی مکی در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

زیاده‌خواهی اسرائیل

زمینه‌ساز اتحاد کشورهای منطقه



ایران نباید همه بار دشمنی با اسرائیل را به دوش بکشد

ن باید ایران همه هزینه‌های دشمنی با اسرائیل را پرداخت کند



اروپایی و بلکه کشورهای منطقه نیز واکنش مناسبی نسبت به این اقدامات نشان نداده‌اند. واقعیت این است که رویکردی که کشورهای غربی و عربی در مقابل اقدامات اخیر اسرائیل در پیش گرفته‌اند تلاش اسرائیل برای تحقق رویاهای خود را تقویت کرده و در این راستا همه خطوط قرمز را رد کرده‌اند. حمله نظامی به جلسه سران حماس در قطر و همچنین افشای اینکه موساد به دنبال ترور رهبران مصر بوده همه نشان می‌دهد که اسرائیل علی‌رغم همه توافقات اعلام شده و یا نشده‌ای که با کشورهایمانند مصر، اردن و قطر داشته نیز پایبند نیست و تنها به تحقق اهداف خود فکر می‌کند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد چک سفید امضایی است که آمریکا و ترامپ به اسرائیل داده که باعث شده اسرائیل اقدامات خطرناکی را در سطح منطقه انجام بدهد. «در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان‌ملی – احسان انصاری: مسعود پزشکیان دیروز دوشنبه وارد دوحه پایتخت قطر شد تا در اجلاس اضطراری رهبران منطقه درباره اقدامات خطرناک اخیر اسرائیل حضور داشته باشد. این در حالی است که حمله اسرائیل به جلسه سران حماس در قطر موجی از نگرانی را در بین کشورهای منطقه و جود آورده و این احتمال وجود دارد که سطح تنش در منطقه پیش از گذشته شود. نکته مهمی در این زمینه اما جرابی اقدامات اخیر اسرائیل و اهدافی است که دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد اسرائیل به این نتیجه رسیده پس از آسیب‌هایی که جبهه مقاومت وارد کرده باید از این فرصت برای دست یافتن به رویاهای بزرگ خود مانند طرح خاورمیانه بزرگ استفاده کند. «آرمان‌ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با مرتضی مکی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. مکی معتقد است: «اقدامات اسرائیل در حالی در حال انجام شدن است که نه تنها آمریکا و کشورهای

نه تنها آمریکا و کشورهای اروپایی و بلکه کشورهای منطقه نیز واکنش مناسبی نسبت به این اقدامات نشان نداده‌اند. واقعیت این است که رویکردی که کشورهای غربی و عربی در مقابل اقدامات اخیر اسرائیل در پیش گرفته‌اند تلاش اسرائیل برای تحقق رویاهای خود را تقویت کرده و در این راستا همه خطوط قرمز را رد کرده‌اند. حمله نظامی به جلسه سران حماس در قطر و همچنین افشای اینکه موساد به دنبال ترور رهبران مصر بوده همه نشان می‌دهد که اسرائیل به‌رغم همه توافقات اعلام شده و یا نشده‌ای که با کشورهایمانند مصر، اردن و قطر داشته نیز پایبند نیست و تنها به تحقق اهداف خود فکر می‌کند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد چک سفید امضایی است که آمریکا و ترامپ به اسرائیل داده که باعث شده اسرائیل اقدامات خطرناکی را در سطح منطقه انجام بدهد.

چک سفید امضای ترامپ به اسرائیل تا چه زمانی اعتبار دارد و حمایت آمریکا از اسرائیل تا چه حد ادامه خواهد داشت؟

اگر به شرایط غزه دقت کنید متوجه می‌شوید که اسرائیل دیگر هیچ جنایتی نیست که در غزه انجام نداده باشد. آمریکا نیز تلاش‌هایی برای توقف ماشین جنگی اسرائیل در غزه کرده است. با این وجود به نظر می‌رسد ترامپ نیز مانند نتانیا‌هو گمان می‌کند برای حذف جریان مقاومت اسرائیل تا هر جا که نیاز باشد می‌تواند پیش برود و هر اقدامی که در این زمینه لازم است انجام بدهد. تا زمانی که لابی قدرتمند اسرائیل در کشورهای اروپایی و آمریکای‌فعال است ما شاهد جلوگیری از جنگ طلبی‌های افراطی نتانیا‌هو در غزه نخواهیم بود. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که ایران باید از همه مکانیسم‌ها و شرایط موجود در منطقه برای خروج از تنش و درگیری استفاده کند و منافع ملی را در اولویت قرار بدهد. در واقع ایران باید بتوان با اجماع‌سازی در سطح منطقه با قدرت بیشتری از اقدامات جنگ طلبانه اسرائیل جلوگیری کند. به هر حال ما در جهانی قرار داریم که درست است یک ساختار ناعادلانه بر آن حاکم است ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که در این نظامی که مبتنی بر قدرت است علاوه بر ادله حقوقی و سیاسی باید با همین سازوکارهای بین‌المللی دنبال رفع تهدیدها و انتخاب سیاست‌های در جهت منافع و امنیت ملی کشور بود. کم‌تر از دو هفته دیگر به موعد فعال شدن مکانیسم‌های باقی‌مانده و کره جنوبی به عنوان رئیس شورای امنیت این فرآیند را آغاز کرده است و در این دو هفته اگر اقدامی صورت نگیرد با گذشت تحریم‌ها با فعال شدن مکانیسم‌های تهدیدات امنیتی و نظامی جدی را پدید می‌آورد. تحریم‌ها فقط موضوع اقتصادی نیست و تحریم‌های سازمان ملل باعث خواهد شد که ایران بار دیگر ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل برود و به عنوان یک تهدید جهانی مطرح بشود و خارج شدن از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل مثل سال ۹۴ دیگر به راحتی به دست نخواهد آمد.

آیا کشورهای منطقه تلاش اسرائیل برای تحقق رویای خاورمیانه بزرگ را رد کرده‌اند؟

اقدامات اسرائیل در حالی در حال انجام شدن است که

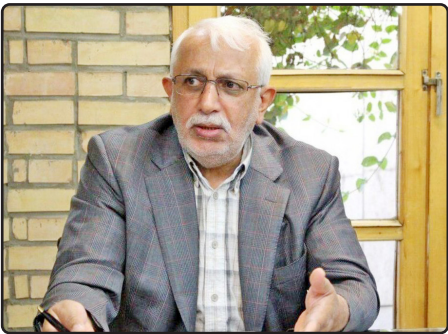
با توجه به اتفاقاتی که در روزهای اخیر

پس از حمله اسرائیل به قطر رخ داد بستر و زمینه‌های خوبی به وجود آمده که ایران با کمک کشورهای منطقه بتواند با ایده خاورمیانه بزرگ مورد نظر اسرائیل مقابله کند

قاسم مجبعلی:

هوشیار باشیم دوباره اعراب عافیت طلبانه بین ایران و اسرائیل بازی نکنند

وی اظهار کرد: مراقب باشیم با این فکر فریب نخوریم که اعراب ناگهان سیاست‌شان را عوض می‌کنند و از آمریکا دور و به ایران نزدیک می‌شوند. اعراب این برداشت را دارند که وقتی آمریکا نتوانست در مقابل اسرائیل از آنها حفاظت کند ایران هم نمی‌تواند. ضمن آنکه تشکیل ائتلاف نظامی بین کشورهای عربی موضوع تازه‌ای نیست و از ۳۵ سال پیش تاکنون این ایده مطرح است اما محقق نشده چون اختلاف زیادی بین این کشورها وجود دارد. مجبعلی با اشاره به عافیت‌طلبی‌های گذشته اعراب درباره اسرائیل تصریح کرد: حالا که فضای عربی به شدت علیه اسرائیل تحریک شده است، ایران باید حداکثر بهره را برای بهبود و تعمیق روابط با اعراب برود و موضع حمایتی از آنها بگیرد تا اعراب با فشار به آمریکا معادلات را طوری به نفع غزه تغییر دهند که خود ساکنان غزه حق‌شان را از اسرائیل بگیرند. الان اصل دعوا دوباره عربی – اسرائیلی شده است و این حالت باید حفظ و تعمیق شود.



مصر بعد از اسرائیل بیش‌ترین کمک نظامی را از آمریکا دریافت می‌کند یا قطر مقر سرفرماندهی آمریکا در منطقه است. ضمن آنکه امارات، عربستان و بحرین پیمان‌های نظامی با آمریکا دارند بنابراین وری خوش بینی است که فکر کنیم یک‌دفعه این کشورها تغییر مسیر می‌دهند و مقابل نظر آمریکا عمل می‌کنند.

گزارش

وین و ایفای نقش پررنگ‌تر

بند پروازی دیپلماتیک

اتریش امیدوار است به نیروی قوی‌تری در دیپلماسی جهانی و قطبی برای حل منازعات تبدیل شود. به گفته بنات ماینل – راینزنگر، وزیر امور خارجه، عامل اصلی این تلاش‌ها، پایبندی به بی‌طرفی نظامی دهه‌ها پیشین، به‌رغم جنگی سهمگین در نزدیکی این کشور است. بلومبرگ در گزارشی از تلاش‌های بنات ماینل – راینزنگر، وزیر امور خارجه اتریش برای تبدیل کردن این کشور اروپایی به یک کانون دیپلماسی برای حل و فصل منازعه‌های جاری جهانی پرداخته است. به نوشته بلومبرگ، امتیاز اصلی اتریش نسبت به همسایگانش، یعنی خودداری از پیوستن به ناتو، می‌تواند این کشور را به یک میانجی بی‌طرف در منازعه‌های مهم فعلی جهان تبدیل کند. بلومبرگ می‌نویسد بنات ماینل – راینزنگر، دیپلمات ارشد این کشور برای کسب کرسی در شورای امنیت سازمان ملل متحد کارزار انتخاباتی به راه انداخته، پیشنهاد میزبانی گفت‌وگوهای صلح احتمالی بین روسیه و اوکراین را داده و برای بازگشت به میز مذاکره در مورد برنامه هسته‌ای ایران تلاش می‌کند. تلاش‌های او از زمان تصدی مسئولیت در ماه مارس، به عنوان بخشی از یک دولت ائتلافی سه‌جانبه، به دنبال کمک به اتریش برای یافتن جایگاه خود در نظم نوین جهانی است. وین، که زمانی دروازه‌ای بین شرق و غرب اروپا بود، به دلیل طولانی‌ترین رکود خود از زمان جنگ جهانی دوم، و با شکل‌گیری مسیرهای مستقل توسط همسایگان کمونیست سابقش در سیاست بین‌الملل، اهمیت اقتصادی و سیاسی خود را از دست داده است. عدم عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، مانند کشور همسایه سوئیس، ممکن است به نفع اتریش باشد. ماینل – راینزنگر، ۴۷ ساله، در مصاحبه‌ای گفت: «عدم عضویت در ناتو یک مزیت است. این یک درک خاص است که همیشه باید به گفت‌وگو پایبند بود.»

پیشنهاد او بر اساس تاریخ طولانی دیپلماسی وین استوار است. امپراتوری هابسبورگ از طریق ازدواج‌های استراتژیک، برخلاف جنگ افروزی، به یک قدرت اروپایی تبدیل شد. در سخنرانی اخیر خود، ماینل – راینزنگر به سنگینی مسئولیت خود که توسط میراث دیپلمات‌های برجسته‌ای مانند کلمنس فون مترنیخ، معمار نظم در اروپای پساناپلئونی، تعیین شده است، اشاره کرد. اتریش میزبان سازمان‌های بین‌المللی مهمی از جمله سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) است. عدم تعهد نظامی این کشور نتیجه قرارداد دولتی سال ۱۹۵۵ است که استقلال را پس از یک دهه اشغال از متفقین پس از جنگ جهانی دوم اعطا کرد. این یکی از محبوب‌ترین سیاست‌ها در اتریش باقی‌مانده و حتی پس از حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، که فیلاندو و سوئد را به پیوستن به ناتو سوق داد، این طرفی به طور جدی مورد سوال قرار نگرفته است. با این حال، رویکرد اتریش سواتلی را پدید آورده است. مناطق غربی اوکراین که با حملات موشکی و پهپادی روسیه روبه‌رو بوده‌اند، به وین نزدیک‌تر هستند تا برلین، با پشتیبان استان فورارلبرگ اتریش در نزدیکی مرز سوئیس. این کشور عملاً برای حفاظت از خود در برابر تجاوز روسیه به تضمین‌های امنیتی ناتو برای اسلواکی و مجارستان همسایه متکی است و سالانه حدود ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف دفاع می‌کند، عددی که معادل یک پنجم هزینه نسبی لهستان، ماینل – راینزنگر گفت: «ما عضو ناتو نیستیم و من موافق پیوستن به ناتو نیستم. آنچه باید درباره آن صحبت کنیم، تطبیق استراتژی امنیتی خود با واقعیت‌های جدید است، و نه سوء استفاده از اصطلاح بی‌طرفی به عنوان پوششی برای منافع آشکارا طرفدار روسیه.» حزب راست افراطی آزادی اتریش، تفسیری سختگیرانه از بی‌طرفی را ترویج کرده و با کمک‌های غیرنظامی به اوکراین و تحریم‌ها علیه روسیه مخالفت کرده است. این حزب در انتخابات فدرال ۲۰۲۴ بیش‌ترین آرا را کسب کرد، اما از تشکیل دولت به یک ائتلاف میانه‌رو شامل محافظه‌کاران، سوسیال دموکرات‌ها و لیبرال‌های ماینل – راینزنگر بازماند. وین همچنان میزبان اکوسیستمی از وکلا و مشاوران است که عمدتاً به مشتریان روسی خدمات می‌دهند. برخی از ثروتمندترین افراد روسیه در این کشور کوهستانی دارای ملک هستند، و بانک بین‌المللی رابفایزن مستقر در وین به دلیل عدم فروش واحد خود در روسیه با انتقاد مواجه شده است. یکی از منتقدان برجسته سیاست خارجی ماینل – راینزنگر، کارین کانیسل، وزیر امور خارجه سابق اتریش از حزب آزادی است که از آن زمان به روسیه نقل مکان کرده و ریاست یک اندیشکده وابسته به دولت را بر عهده دارد. کانیسل، به همراه دبیرتی مدووف، رئیس جمهور سابق روسیه، ادعا می‌کنند که هرگونه تغییر در بی‌طرفی قانون اساسی اتریش نیازمند توافق کشورهای امضاکننده، از جمله روسیه، برای اصلاح قرارداد دولتی سال ۱۹۵۵ است. ماینل – راینزنگر این استدلال‌ها را از نظر تاریخی نادرست دانست و گفت که اتریش پس از پیوستن به اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵، با همکاری دفاعی نزدیک‌تر با این بلوک موافقت کرده است. او گفت: «فقط مردم اتریش هستند که تصمیم می‌گیرند اتریش چه نوع استراتژی و سیاست امنیتی را دنبال کند.»